

نامه محمدشاه پادشاه هر موز به دن جوان پادشاه پر تعال *

هو الغنی

السلطان دان جوان

تاسلسال کلام در جو بیبارلسان روان است، دعا [ی] خلود ظلال
و ایام سلطنت و عظمت و شوکت و اقبال بندگی حضرت اعلی سلطنت
پناه، عدالت شعار، مرحمت دمان، مکرمت زمان، سلطان اعظم، افتخار
اعاظم السلاطین فی العالم، ملاح بحار سلطنت، سیاح امور مملکت،
در دریای سلطنت و شاهی، گوهر کان معدلت و پادشاهی مظفر السلطنه
و السعادة و الاقبال و الدنيا و الارض، خلد الله تعالی ملک و سلطانه و
افاض علی العالمین بره و عدله و احسانه، ورد زبان است و دائم را
وقت به دعا [ی] دوام سلطنت رطب اللسان است. مأمول آنکه از منسیان
نباشد و همواره به مخاطبات علیه این بنده مخلص [را] مشرف
فرمایند.

بعد از عرض اخلاص و خدمت، به عرض می رساند که احوال
این جانب مخفی نماند که اخراجات این ملک بیش از پیش است و
محصول این ملک به اخراجات و فانی کند. التماس آنکه نظر عنایت
و التفات دریغ نفرمایند و تخفیف از مال مقرره این جانب فرمایند
تا به دولت آن پادشاه عالیجاه عادل، مرفه الحال به دعا [ی] دوام سلطنت
قیام نماید و رجوع او امر و نواهی [را] کمر اطاعت و خدمت بسته،
گوش و هوش به امر و اراده داشته.

زیاده از این لازم نمی نماید. جهان مطیع امر اعلی پادشاهی باد.
الحمد لله رب العالمین که در این ولاکتانی مثل آنتونی شرویره
بدین ملك هر موز فرستاده اند که همه مردم ملك و رعایا در عین
رفاهیت اند و در عدالت به مرتبه [ای] خدمت می کنند که مزیدی بر آن
تصور نمی توان کردن. تجار و مترددان که بدین ملك می آیند همه را
به نوعی تسلی می نماید که راضی و شاکر اند و این بنده از او راضی
است و در اخلاص آن حضرت است.

چون چنین مشاهده نمود، واجب دید که احوال به عرض نواب
رساند. توقع و ترقب آن است که کپتانی این ملك ازوباز نستانند
که احوال او نیکو معلوم خواهد شد که عدالت دارد و انصاف دارد و طمع
بر هیچ کس ندارد. تا واضح فرماید جهانگامی مخلص باد.

اثر مهر بادامی شکل محمد شاه : «محمد شاه بن ابانصر شاه»